

1	فصل اول
1	مقدمه فصل اول :
1	بررسی در المعجم
5	المقائیس اللغه
5	معجم التَّحْقِيق
6	نتیجه
7	فصل دوم
7	قرآن کریم:
9	روایات :
12	فصل سوم
12	حب اهل بیت (علیهم السلام)
12	مقدمه:
13	فصل اول
16	فصل دوم
16	مهمترین آثار حب نسبت به اهل بیت:
17	مهمترین اثر اخروی:
17	بخشایش گناهان و آسایش ابدی :
20	نتیجه
22	منابع و مأخذ

# فصل اول

## مقدمه فصل اول :

در این فصل قصد داریم که اولاً رویکرد های معنایی نسبت به واژه

حَبّ

و سپس ذکر نکاتی در مورد ویژگی های صرفی این واژه بسنده شود.

در قسمت اول به صورت مفصل به معجم المنجد و در قسمت دوم و سوم به معجم التحقیق و مقایسه اللغه می پردازیم.

و سپس نتیجه گیری میکنیم که کدام یک از معاجم بهتر توانسته عمل کند.

## بررسی در المعجم

ذیل واژه حب 7 شماره توضیح داده شده که 4 شماره آن بما مربوط میباشد.

## رویکرد معنایی 1

(استعمالات افعال و مصادر)

(الف)

1. حَبّ، یَحَبّ (ماضی و مضارع ثلاثی مجرد).

2. حُبّاً، حَبّاً (مصادر)

مفعول بی واسطه میگیرد مثل (حَبَّه) معنایش (دوست داشتنش) (وَدَّه) می شود.

حَبَّ الشَّيْءِ (به او اشتیاق پیدا کرد).\*

پس دونوع مفعول برای این فعل ذکر شده است.

1. با واسطه

2. بی واسطه

ب) حَبَّ ، يَحِبُّ (ماضی و مضارع ثلاثی مجرد) حَبًّا (مصدر) البته بر وزن فَعَّلَ هم استعمال شده است.

مفعول با واسطه میگیرد مثل حَبَّ اليه (برای او دوست داشتنی گردید)\*

پ) حَبَّبَ (باب تفعیل ثلاثی مزید): هم مفعول با واسطه دارد هم مفعول بی واسطه.

مثل حَبَّبَنِي آيَاهُ : او را برای من دوست داشتنی قرار داد.

ج) حَابَّ ، يَحَابُّ (ماضی مضارع باب مفاعله ثلاثی مزید )

مَحَابَّةً حَبَاباً (مصادر)

مفعول با واسطه: مثال: حَبَّ به .

د) أَحَبَّ ، يُحِبُّ ( ماضی و مضارع باب افعال ثلاثی مجرد) : دارای مفعول با واسطه است: همان معنای ثلاثی مجرد را میدهد.

ف) حَبَّبَ ، تَحَبَّبَ اليه: (ماضی و مضارع باب تفعَّل ثلاثی مزید) محبت خودش را به او ابراز کرد.

ک) تَحَابَّ القوم (باب تفاعل ثلاثی مزید) : افراد قوم همدیگر را دوست دارند (معنای مشارکت)

خ) اسْتَحَبَّ ( ماضی و مضارع باب استفعال ثلاثی مزید):

1. پسندید او را ، او را نیکو داشت

2. برتری دادن

ع) استعمالات اسم

الف) الْحَبِّ (جامد): مصدر است اما در معنای اسم فاعل نیز بکار میرود. مثل: عَلِيٌّ عَدْلٌ / یعنی: عَلِيٌّ عَادِلٌ

ب) الْحَبَّةُ جمعش حُبَّب (جامد مصدری): المحبوب یعنی آن چیزی که دوست داریم بما عطا بشود و گاهی هم در مقام مفعول مطلق برای افعال مستقر محذوف نیز می آید.

الحبَّةُ القلب: 1. محبتی که در قلب میباشد.

2. محبتی که بیش از حد در قلب باشد.

مثل: اصابت حَبَّةً قَلْبَهُ (شغف قلبه): محبت آن زن اصابت کرد به حَبَّة قلب آن مرد. (آن مرد شدیداً عاشق شد)

غ) الْمُحِبُّ (مشتق): اسم فاعل (دوست دارنده)

ل) الْمُحِبَّةُ (جامد مصدری): اون چیزی که طبع انسان برای لذتش به سمت اون چیز میرود.

ت) الْحُبَابُ (مشتق صفت مشبهه): دوستی و محبت، محبوب، انتهای محبت، تلاش برای محبت.

ه) الْحَبِّبُ (مشتق): دوست دارنده

جمعش: احبَّة، احبَّا، احباب

صفة مشبهه است ولی معنایش اسم فاعل و مفعول است.

ط) الْحَبَّابُ (مشتق): اسم تفضیل بسیار دوست دارنده

ظ) مُحِبٌّ حَابٌّ (اسم مشتق و اسم فاعل به ترتیب ثلاثی مزید و مجرد).

ش) مُحَبٌّ و محبوب (اسم مشتق اسم مفعول به ترتیب ثلاثی مزید و مجرد).

رویکرد معنایی 2

الف) حَبِّبٌ و احبٌّ: (فعل ثلاثی مزید من باب تفعیل و افعال) دارای دانه حبه شد.

این استعمال ثلاثی مجرد ندارد و مستقیماً از اسم جامد ساخته شده است.

مثل: صبح : اصبح (معنای صناعی)

ب) الحَبُّ: جمعش: حبوب و حَبَّان

مونثش: حَبَّة

جمع مونثش: حَبَّاب.

معنای اصلی: پاشدن بزر ، پاشیدن ادویه در غذا ،

حَبُّ الغنم : تگرگ

حَبُّ الإِنعام : سیاهدانه که معروف است به دانه ی برکت.

ج) حَبَب: آن دانه ای که داخل میوه است.(معنای جمع دارد)

رویکرد معنایی 3

الف) حَبَبٌ : حَبَبُ القَرَبَةِ: (فعل ثلاثی مزید باب تفعیل) مشک را پر از آب کرد.

الحَبَّابُ : سازنده کوزه و مشک. (اسم مشتق اسم مبالغه).

ب) تَحَبَّبَ : تَحَبَّبَ مِنَ الشَّرَابِ : ( فعل ثلاثی مزید من باب تَفَعَّل) پر کرد تا اینکه نفخ داد مثل حفره.

رویکرد معنایی 4

الف) الحَبَبُ:چینش دندان ها (جمع مکسر حَب)

ب) الحَبَبُ المَاءِ و الرمل: حباب های آب یا دانه های رمل و شن.(جمع مکسر حَبَّة).

ج) الحَبَّةُ : واحد وزن (اسم جامد مصدری).

د) الحَبَابُ : زندگی دنیا.( اسم مشتق صفت مشبیه)

اتمام المنجد.

### المقائيس اللغه

(خلاصه و موجز)

حروف اصلى : حاء و باء

معانى غالبى اش به 3 قسمت اصلى تقسيم مى شود:

(1) لزوم و ثبات.

(2) دوست داشتن آن چيزى است كه صاحب دوست داشتن است.

(3) وصف ناتوانى.

اتمام مقائيس اللغه.

### معجم التحقيق

اصل واحد در اين ماده: دوستى و ميل شديد كه در مقابل بغض و نتفّر است. نمونه هاى از اياتى كه اين معنا صدق مى كند:

(1) و مساكن ترضونها أحبّ اليكم: و خانه هاى كه بدان علاقه داريد و به انها دل بستيد.

( فعل ثلاثى مزيد باب افعال )

(2) ربّ السجن أحبّ الىّ: پروردگار من براى من زندان دوست داشتنى تر است.

( اسم مشتق اسم تفضيل )

## نتیجه

رویکرد های معنایی معجم مقایسی اللغه بسیار ثقیل تر نسبت به التحقیق است ولی هردوشان نسبت به المنجد خیلی ناقص تر میباشد چه از نظر انشعابات لغوی و چه از نظر اختلافات معانی و استعمالات گوناگون.

درکل به نظر میرسد بین دو معجم مقایسی اللغه و التحقیق ، التحقیق معنای بهتری را ارائه داشته باشد .

## فصل دوم

### قرآن کریم:

(1) وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (165) بقره

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند). (165)

یحبونهم : فعل صیغه سوم مضارع معلوم بعلاوه ضمیر متصل نصبی.

حبّ : اسم جامد مصدری ثلاثی مجرد.

حِبّاً : اسم جامد مصدری ثلاثی مجرد.

(2) وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (190) بقره

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! (190)

يُحِبُّ : فعل مضارع ثلاثی مجرد.



3) فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (76) انعام

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم!» (76)

احب : مضارع صیغه 13 ثلاثی مجرد.

4) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (23) توبه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولیّ (و یار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولیّ خود قرار دهند، ستمگرند! (23)  
استحبّوا : فعل مضارع صیغه 3 ثلاثی مزید باب استفعال.

5) وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانِ وَ زِينَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (7) حجرات

و بدانید رسول خدا در میان شماست هر گاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند! (7)  
حَبَّبَ : فعل مضارع صیغه 1 ثلاثی مزید من باب تفعیل.

6) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (12) حجرات

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر

مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! (12)

يَحِبُّ : مضارع صيغه 1 ثلاثی مجرد معلوم.

(7) وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحَانُ (12) الرحمن

و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگ‌هاست که بصورت کاه درمی‌آید، و گیاهان خوشبو! (12)

الْحَبُّ : اسم جامد غیر مصدری ثلاثی مجرد.

(8) كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (20) قیامه

چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید) بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)! (20)

تحبون : فعل مضارع صیغه 9 ثلاثی مجرد.

## روایات :

(1) قال الصادق (عليه السلام) :

قال الله تبارك وتعالى : ما تَحَبَّبَ الیَّ عبدی بِأَحَبِّ ممَّا افترضتُ علیه.

بنده من باهیچ کاری پسندیده تر از انجام آنچه بر او واجب کردم محبوب من نمی‌شود.<sup>1</sup>

تحبب : فعل ماضی ، معلوم صیغه 1 ، ثلاثی مزید ، من باب تَفَعَّل .

احبّ : اسم مشتق ، اسم تفضیل .

(2) قال الاميرالمومنين (عليه السلام) :

كَفَرُوا ذُنُوبَكُمْ وَ تَحَبَّبُوا الی رَبِّكُمْ بالصدقه و صله الرَّحِمِ .

با صدقه و صله رحم گناهانتان را پاک کنید و خودتان را محبوب خداوند کنید.<sup>2</sup>

تحببوا : فعل امر ، معلوم صیغه 9 ، ثلاثی مزید من باب تَفَعَّل .

<sup>1</sup> کافی ج 2 ص 82 ح 5

<sup>2</sup> شرح جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم ج 4 ص 635

3) قال الامام سجاد (عليه السلام):

القول الحسنُ يُثرى المال و يُنمي الرِّزق و يُنسيءُ في الأجل و يَحَبِّبُ الى الاهل و يُدخِل الجنة.<sup>3</sup>  
گفتار خوب ثروت را زیاد و روزی را زیاد می کند ، مرگ را به تاخیر می اندازد و انسان را محبوب خانواده می کند و به بهشت وارد می نماید.

يحبب : فعل مضارع ، معلوم ، صيغه اول ثلاثي مزيد من باب تفعيل.

4) قال رسول الله صل الله عليه و اله :

و الذي نفسى بيده لا تدخلو الجنة تومنوا و لا تومنوا حتى تَحَابُّوا اولا اذلكم على شئى اذا فعلتموه

تَحَابُّبْتُمْ؟ افسالسلام بينكم.<sup>4</sup>

به خدایی که جانم در اختیار اوست وارد بهشت نمی شوید مگر مومن شوید و مومن نمیشوید مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید. آیا میخواهید شمارا به چیزی دعوت کنم که با انجام دادن آن یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن بین یکدیگر را رواج دهید.

تَحَابُّوا : فعل امر معلوم صيغه 9 ثلاثي مزيد من باب تفاعل.

تَحَابُّبْتُمْ : فعل ماضى معلوم صيغه 1 ثلاثي مزيد من باب تفاعل.

5) قال المعصوم (عليه السلام):

شيعتنا متبادلون فى ولايتنا ، الْمُتَحَابُّون فى مودتنا المتزاورون فى احيا امرنا الذين ان غضبوا لم يظلموا

و ان رَضوا لم يسرفوا برکه على من جاوروا سلم لمن خالطوا.<sup>5</sup>

شیعیان ما کسانى اند که در راه ما بذل و بخشش میکنند و در راه دوستى ما بهم دیگر بذل و بخشش میکنند در راه دوستى ما به یکدیگر محبت میکنند در راه زنده نگه داشتن امر مکتب ما به دیدار هم مى روند.

چون خشم گین شوند ظلم نمیکنند و چون راضی شوند زیاده روی نمیکنند برای همسایگانیشان مایه برکت اند و نسبت به صلح و آرامشند.

مُتَحَابُّون : اسم مشتق اسم فاعل جمع مذكر.

6) قال رسول الله صل الله عليه و اله :

<sup>3</sup> امالی شیخ صدوق ص 2 . خصال ص 317 ح 100

<sup>4</sup> نهج الفصاحه ح 1555

<sup>5</sup> کافی (ط-الاسلاميه) ج 2 ص 236 و 237 ح 24

من أَحَبَّ أن يلقى ضاحكاً مستبشراً فليَتَوَلَّ على بن موسى الرضا(سلام الله عليه).<sup>6</sup>

هرکسی دوست دارد باروی خندان خدا را ملاقات کند باید از محبت علی بن موسی الرضا بهره مند باشد.

احب : فعل ماضی معلوم ، ثلاثی مزید صیغه 1، من باب افعال.

(7) قال رسول الله (ص):

...الصوم يسود وجهه والصدقه تكسر الظهره والحُبُّ في الله و الموازره على العمل الصالح يقطع دابره والاستغفار يقطع تينه.<sup>7</sup>

روزه روی شیطان را سیاه می کند صدقه پشت او را میشکند دوست داشتن برای خدا و همیاری در کار نیک ریشه او را می کند و استغفار شاهرگش را میزند.

الحب : اسم جامد مصدری ثلاثی مجرد.

(8) قال امير المومنين(سلام الله عليه):

إذا احببت فلا تكثر.<sup>8</sup>

وقتی کسی یا چیزی رو دوست داشتی زیاده روی نکن.

احببت : فعل ماضی معلوم صیغه 7 ثلاثی مزید من باب افعال.

(9) قال امير المومنين (ع):

عين المحب عميه عن المعائب المحبوب و اذنه صماء عن قبح مساويه.<sup>9</sup>

چشم دوست کور است از عیب های دوست و گوشش کر است از زشتی بدی های او.

محب : اسم مشتق اسم فاعل ثلاثی مزید.محبوب : اسم مشتق اسم مفعول ثلاثی مجرد.

<sup>6</sup> بحار الانوار ج 36 ص 296

<sup>7</sup> منهاج البرائه فی شرح نهج البلاغه ج 7 ص 426

<sup>8</sup> غرر الحكم باب حب ح 25

<sup>9</sup> غرر الحكم باب حب حدیث 35

## فصل سوم

### حـب اهل بیت (علیهم السلام)

#### مقدمه:

آنچه پیش روی شماست مطالبی اندک، چکیده و خلاصه از مبحث:

حـب نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

می باشد.

آن چیز که مبرهن و روشن است این است که پرداختن به این موضوع اولاً در چند صفحه ی اندک مقدور نیست دوماً علم نویسنده پاسخگوی این مطلب ثقیل نیست زیرا که مطالب اولاً از لحاظ کمی بسیار انبوه و دوماً از لحاظ کیفی بسیار غنی است.

فلذا مطالب پخته نمی شود و به قول معروف به مطلب آن چنانی که باید پرداخته نمی شود؛

با این اوصاف ما در اینجا سعی کردیم بیشتر، کلیات را بیان کنیم و به جزئیات

کمتر پرداخته شود، حتی به همه مطالب کلی هم نپرداختیم و به سلیقه خودمان مطالبی که احساس کردیم با اهمیت تر است را بیان کردیم.

پس:

به اعتقاد ما تحقیق بعلت ضیغ فرصت و کم بودن علم و سواد نویسنده، هم از لحاظ کمی و هم کیفی ناقص است.

در این تحقیق سعی شده است تا شمای کلی مبحث حبّ نسبت به اهل بیت بنیان گذاری شود و برای کسانی که میخواهند مطالعه بیشتری در این مبحث داشته باشند میتواند سر نخ خوبی باشد.

## فصل اول

قال رسول الله (ص): اسلام عریان ، فلباسه الحياء و زينته الوقار و مروته العمل الصالح و عماده الورع. ولكل شيء اساسٌ و اساس الاسلام حَبّنا اهل البيت.<sup>10</sup>

«اسلام برهنه است و جامه اش حیا و زینتش وقار و مردانگی اش کار نیک و ستونش پارسایی ، هرچیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام دوست داشتن ما اهل بیت است.»

توجه داشته باشید که فقط قسمت آخر این حدیث مورد بررسی قرار داده میشود چون مربوط به بحث ماست. طبق فرموده رسول خدا هرچیزی یک بنیاد و یک بنایی دارد ، که روی آن استوار شده است.

به عبارت دیگر هیچ وجودی بدون پایه ، وجود ندارد که اگر بدون پایه بوجود آمد پس از بنا بزودی به زوال کشیده میشود.

اسلام نیز بعنوان کامل ترین دین و کامل ترین شریعت برای رساندن انسان به سعادت روی یک پایه و بنیان بنا شده است ، که طبق فرمایش رسول گرامی اسلام(ص) آن بنا و بنیان چیزی نیست جز دوست داشتن و حب نسبت به اهل بیت علیهم السلام.

برای درک بیشتر فرمایش نبی مکرم اسلام(صل الله علیه و اله و سلم)اولا باید معنای «حب» که در قسمت اول تحقیق ذکر شده است بازگو شود سپس معنای «اساس» بازگو شود و سپس تفسیری از دیدگاه نویسنده نسبت به قسمت آخر این حدیث آورده شود:

**حبّ:** از ماده « حب ، یحب» بمعنای عشق و محبت و عاطفه<sup>11</sup>. این معنا در درجه ی اعلاى دوست داشتن است یعنی از «وَدّ، یودّ» (دوست داشتن ) بالا تر است.

اصول کافی ج 2 ص 46<sup>10</sup>

محاسن د ج 1 ص 445

الأمالی الصدوق ص 341 ح 406

معجم المنجد<sup>11</sup>

از این واژه در مواردی استفاده میکنند که کسی بسیار زیاد کسی را دوست داشته باشد.

**اساس:** بنیاد و پایه<sup>۱۲</sup> مثل ساختمان که باید روی پی و یک چیز محکم ساخته شود.

با دریافت و فهم معانی لغوی حدیث، حدیث را بهتر درک میکنیم، برداشت نویسنده این است که رسول اکرم (ص) دین اسلام را به یک ساختمان تشبیه کرده است که این ساختمان دارای اساس و ریشه ای محکم است چرا که هیچ وجود استواری بوجود نخواهد آمد، مگر با بنیانی استوار؛ و حال بنیان اسلام به عنوان شریعتی پایدار، از دیدگاه رسول اکرم، حب نسبت به اهل بیت علیهم السلام است.

حال سوال میشود که این اهل بیتی که رسول خدا یاد میکند، چه کسانی هستند.

در معرفی اهل بیت به ذکر یک آیه و احادیثی پیرامونش بسنده میشود:

«إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس الأهل البيت و يطهرکم تطهیرا»<sup>۱۳</sup>

«خداوند فقط میخواهد گناه و پلیدی را از شما اهل بیت دور کند، و کاملا شما را پاک کند»

طبق احادیث متواتر از شیعه و سنی آیه تطهیر درباره ی پیامبر و اهل بیت او نازل شده است.

این احادیث در کتب معتبر اهل تسنن از قبیل: صحیح مسلم، جامع الاصول، در المنثور و... موجود است و در کتب شیعه بسیار فراوان نقل شده است.

ما به نقل تعدادی از این احادیث بسنده می کنیم:

امام حسن (ع) ضمن خطبه ای فرمود:

ما اهل بیتی هستیم که خدا در مورد آن ها فرمود:

«إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس الأهل البيت و يطهرکم تطهیرا»<sup>۱۴</sup>

انس بن مالک میگوید:

رسول خدا تا مدت شش ماه هنگام نماز وقتی به در خانه زهرا (س) میرسید می فرمود:

<sup>12</sup> همان

<sup>13</sup> قران کریم احزاب 33

<sup>14</sup> ینابیع الموده ص 126

ای اهل بیت من برای نماز برخیزید،

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»<sup>15</sup>

ابن عباس می گوید:

دیدم رسول خدا تا مدت نه ماه وقت هر نمازی به درخانه علی میرفت و میفرمود:

(انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا)<sup>16</sup>

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

رسول خدا هر روز صبح در منزل ما تشریف آورده و می فرمود خدا شما را رحمت کند برای نماز برخیزید «انما

یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»<sup>6</sup>.

پیغمبر اکرم (ص) مدتی این برنامه را ادامه دادند تا مردم دقیقا مصداق های اهل بیت را بشناسند و اهمیت

بالای این موضوع رو درک کنند.<sup>17</sup>

و حال به نقل یک روایت دیگر از وجود مبارک امیرالمومنین سلام الله علیه در این مبحث اکتفا میکنیم:

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام میفرمایند:

من در خانه ی ام سلمه در خدمت رسول خدا بودم که آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و

یطهرکم تطهیرا» نازل شد، ایشان به من فرمود این آیه در مورد تو و فرزندان حسن و حسین و امامانی که از

نسل تو بوجود می آیند نازل شده است...<sup>18</sup>

تا اینجا به این رسیدیم که هرچیزی دارای بنیانی ست که بران استوار شده، اسلام نیز بعنوان یک شریعت و یک

دین داره ریشه و بنیانیست که ان بنیان بنا بر فرمایش پیغمبر اکرم (صل الله علیه و اله و سلم) چیزی نست جز

حب نسبت به اهل بیت و این اهل بیت هم توسط همان پیغمبر معرفی شده اند.

<sup>15</sup> جامع الاصول جلد 1 ص 110

<sup>16</sup> الامام الصادق و المذهب الاربعه ج 1 ص 89

<sup>17</sup> غایه المرام ص 296

<sup>18</sup> غایه المرام ص 293



این نکته ظریفیست که باید توجه کرد، یعنی اینطور نیست که بنیان اسلام (حب اهل بیت) توسط یک نفر معرفی شود و مصادیق اهل بیت را کس دیگری تعیین کرده باشد، بلکه هم تعبیر و تشبیه و تعبیر از خود نبی مکرم است و هم تعیین مصادیق و این است که میگوییم شیعه دارای بنیاد محکمیت و هیچ جای شبهه ای ندارد.

## فصل دوم

### مهمترین آثار حب نسبت به اهل بیت:

مهمترین اثر معنوی:

نجات از گمراهی و تقرب الی الله:

یکی از آثار مهم محبت اهل بیت، نجات از گمراهی است. پیامبر (ص) این معنا را در نصیحت‌های خود به ابوذر، خیلی خوب تبیین کرده است. ابوالاسود دوئلی می‌گوید: «هنگامی که ابوذر در تبعیدگاه خود در ربنده به سر می‌برد، به خدمت او رسیدم و او روایتی را برایم نقل کرد. ابوذر گفت صبحگاهی در مسجد به رسول خدا (ص) وارد شدم، ایشان نشسته بودند و کسی جز علی در کنارشان نبود. خلوت مسجد را غنیمت شمردم و به پیامبر (ص) عرض کردم، پدر و مادرم فدایت باد، مرا نصیحتی کنید که به سبب آن، خداوند به من نفع رساند. پیامبر (ص) فرمود: فقال (ص) نعم و اکرم بک یا اباذر انک من اهل البیت و آتی موصیک بوصیة فاحفظها، فانها جامعۀ لطرق الخیر فانک ان حفظتها کان بها کفلان...» (ای اباذر خداوند به تو کرامت عطا فرماید. به تحقیق، تو از اهل بیت هستی. به عنوان وصیت نکته‌ای را به تو گوشزد می‌کنم، تلاش کن که آن را حفظ نمایی، زیرا همه راه‌ها و شیوه‌های خیر را در بردارد. اگر به این وصیت عمل کنی و آن را در مقام عمل حفظ نمایی، خداوند به تو خیر دنیا و آخرت عطا می‌فرماید

«یا اباذر، اعبد الله کانک تراه فان کنت لا تراه فانه یراک و اعلم ان اول عبادۀ الله المعرفة به...» وصیت اول پیامبر به ابوذر این است که ای اباذر، آن‌چنان خدا را عبادت کن که انگار او را می‌بینی و در حضور او به عبادتش مشغول هستی. به این مطلب توجه داشته باش که اگر تو او را نمی‌بینی، او به تحقیق تو را می‌بیند. ای اباذر، آگاه باش که اولین گام در عبادت حضرت حق، شناخت پیدا کردن نسبت به اوست.

ثم حب اهل بیته، الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا. و اعلم یا اباذر، ان الله عز و جل جعل اهل بیته فی امتی کسفینة نوح من رکبها نجا و من رغب عنها غرق و مثل باب حطة فی بنی اسرائیل من دخلها کان آمنا...)

وصیت دیگر پیامبر(ص) به اباذر این است که اهل بیت مرا دوست داشته باش، زیرا آن‌ها کسانی هستند که خداوند هرگونه پلیدی را از ایشان دور و کاملاً پاک و مطهرشان گردانید. ای اباذر، آگاه باش به تحقیق خداوند بزرگ و بلندمرتبه موقعیت اهل بیت را در میان امت مثل کشتی حضرت نوح قرار داد. هر کس سوار این کشتی شود، نجات یابد و هر کس از آن روی گرداند و بر آن سوار نشود، غرق می‌شود.

پیامبر(ص) در ادامه می‌افزاید: «مثل اهل بیت من، مثل باب حطه در بنی اسرائیل است. وقتی بنی اسرائیل بر اثر ظلم و گناه بی‌شمار به غضب الهی مبتلا و چهل سال در بیابان «تیه» سرگردان شدند، بر اثر توبه، بار دیگر خدا به آن‌ها لطف کرد و باب توبه را که حطه خوانده می‌شود، بر آنان گشود.<sup>۱۹</sup>

همانطور که ملاحظه فرمودید این حدیث، مقام و شان حب اهل بیت را روشن میکند و پوزه کسانی را که نسبت به اهل بیت شک دارند و کار شکنی میکنند و نعوذ بالله اهانت می‌کنند به خاک می‌مالد.

همانطور که در این حدیث ذکر شده پیامبر حب اهل بیت را مانند کشتی نوح میدانند که در طوفان نجات بخش مردم بود. یعنی حب اهل بیت اینقدر دستگیر است که انسان را حتی در بدترین شرایط و سخت‌ترین شرایط نجات میدهد.

از نظر نویسنده مثلی بهتر و کامل‌تر از کشتی نوح نبود که پیغمبر بخواهد از آن استفاده کند.

چراکه ناآرامی‌های جامعه ناامنی‌های جامعه و اجتماع به دریای طوفانی تشبیه شده و همچنین حب اهل بیت بعنوان یک کشتی حیات بخش و یک تسکین‌دهنده اضطراب و واهمه و بهترین وسیله نجات در این وضعیت معرفی شده است.

تشبیه پیامبر یک تشبیه فنی درست دقیق و بجاست.

پس طبق گفته پیغمبر، راه تقرب به خدا و نجات از این همه ناآرامی پناه بردن به اغوش اهل بیت است.

## **مهمترین اثر اخروی:**

### **بخشایش گناهان و آسایش ابدی:**

محبت به اهل بیت، علاوه بر اثر معنوی که ذکر شد، آثار اخروی متعددی دارد. پیامبر گرامی اسلام در حدیث‌های متعدد، آثار مثبت اخروی محبت به اهل بیت را به مسلمانان گوشزد کرده است. بر اساس فرمایش ایشان، یکی از

<sup>19</sup> مکارم الاخلاق طبرسی

بحارالنوار ج 74

آثار اخروی محبت به اهل بیت این است که هر کس بر حب آل محمد از دنیا برود، خداوند گناهان او را می‌بخشد و عفو می‌کند.

پیامبر در حدیثی دیگر می‌فرماید: «هر کس که دوستدار اهل بیت باشد و در چنین موقعیتی از دنیا برود، مثل کسی است که از گناهان خویش توبه کرده است.»<sup>۲۰</sup>

پیامبر گرامی اسلام همین معنا را در حدیثی دیگر و با تعبیری دیگر بیان فرموده است: «هر کس دوستدار علی(ع) باشد، این محبت به علی باعث می‌شود که گناهانش بلعیده شوند و از بین بروند؛ همان‌طور که آتش هیزم را می‌بلعد.»<sup>۲۱</sup>

از دیدگاه پیامبر، از آثار دیگر محبت اهل بیت، این است که اگر کسی با محبت اهل بیت از دنیا برود، در هنگام مرگ ملک الموت به او بشارت می‌دهد که تو وارد بهشت می‌شوی. بعد از آن، دو فرشته نکیر و منکر نیز به او رفتن به بهشت را بشارت می‌دهند.<sup>۲۲</sup>

بر اساس فرمایش پیامبر، یکی از آثار محبت به اهل بیت هنگام قرار گرفتن انسان در قبر این است که اگر در قلب کسی نسبت به اهل بیت دوستی وجود داشته باشد، خداوند قبرش را محل زیارت ملائکه رحمت خویش قرار می‌دهد. بر اساس حدیث دیگری، خداوند در قبرش دو در به سوی بهشت می‌گشاید.<sup>۲۳، ۲۴</sup>

پیامبر درباره اثر محبت به اهل بیت در روز قیامت می‌فرماید: کسی که محبت اهل بیت در آشیانه قلبش رسوخ کرده باشد، روز قیامت او را با عزت و احترام فراوان به سوی بهشت می‌برند؛ همان‌طور که عروس را با عزت و ناز فراوان از خانه پدرش به خانه شوهرش می‌برند.<sup>۲۵</sup>

پیامبر(ص) در حدیث دیگری به طور خلاصه می‌فرماید: «محبت امتم نسبت به من و اهل بیتم، در هفت موضع بسیار مهم برای آن‌ها مفید است. این مواضع هفتگانه عبارتند از: هنگام وفات، داخل قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، نزد کتاب و هنگام حسابرسی به اعمال و نزد میزان در پل صراط.»<sup>۲۶</sup>

<sup>20</sup> الا و من مات علی حب آل محمد(ص) مغفورا له؛ همان، ص 413

<sup>21</sup> حب علی یأکل الذنوب كما تاكل النار الحطب؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج 1، ص 202

<sup>22</sup> الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنه ثم منکر و نکیر؛ مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج 20، ص 413

<sup>23</sup> الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة؛ همان، ص 413

<sup>24</sup> الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة؛ همان، ص 413

<sup>25</sup> همان، ص 413

<sup>26</sup> محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 3203، ص 237

همان‌طور که محبت به اهل بیت آثار اخروی مثبت و فراوانی دارد، دشمنی نسبت به اهل بیت نیز آثار اخروی منفی دارد. پیامبر(ص) فرموده «هر کس نسبت به اهل بیت من دشمنی داشته باشدو بمیرد کافر مرده است.<sup>27</sup> در حدیث دیگری از پیامبر(ص) می‌خوانیم: «اگر کسی با نفرت و دشمنی نسبت به اهل بیت از دنیا برود، هرگز بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.»<sup>28</sup>

احادیث مذکور احادیث معتبری هستند که توسط پیغمبر اسلام راجع به موضوع حب اهل بیت نقل شده است. احادیثی که در این موضوع نقل شده است در مقایسه با احادیث مذکور در اینجا بسیار کثیر است. هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی.

کم از آن جهت که تعداد این روایات بسیار زیاد است و در کتب مختلف از روایان مختلف روایات زیادی من باب حب اهل بیت آورده شده است.

اما کیف از آن جهت که احادیثی از اهل بیت و حب نسبت به ایشان آمده است که ذکر این احادیث در مقاله کوچکی مثل این مقاله پایین آوردن شان این احادیث است چون واقعا پرداختن به این احادیث در شان امثال نویسنده این مقاله نیست. و تفسیر و تاویل آن علمی کثیر می‌طلبد.

هرچند که این امر در این احادیث هم صدق می‌کند.

همان‌طور که مشاهده فرمودید گویا رمز و سرّ تقرب به خدا و از بین رفتن گناهان و دریک کلام خدایی شدن فقط حب نسبت به اهل می باشد.

آثار و برکاتی که از حب نسبت به اهل بیت نقل شد گوشه ای از دریای وسیع این برکات است؛ این حرف به گزافه نیست و تمامی بزرگان و علما و عاشقان اهل بیت به این اعتراف میکنند که مقام و شان اهل بیت قابل وصف نیست زیرا که آنان نوری از انوار خداوند هستند و ما کجا و درک نور خدا کجا.

فلذا اگر حبی هم نسبت به ایشان پیدا میکنیم اولاً لطف خدا و خود حضرات معصومین است و ثانیاً درک مقدار بسیار کمی از مقام معصومین است و این هم برای این است که خداوند این بزرگان را در قالب جسمی دنیوی آفرید بلکه ما بتوانیم گوشه ای از مقامشان را درک کنیم.

27. الا و من مات علی بغض آل محمد(ص) مات کافراً: همان، ص 414

28. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج 20، ص 414

لازم به ذکر است؛

در آثار حب اهل بیت به دلیل ضیغ فرصت و ضیغ محدوده بحث ما به مهمترین آثار اکتفا شد.

## نتیجه

حب و ارادت نسبت به اهل بیت پایه و اساس و ریشه اسلام است و بعد از ایمان به توحید و نبوت و قیامت مهمترین ثمره نبوت خاتم المرسلین است.

واگر کسی این محبت و اعتقاد را با اسباب خاص به خود تحت الحفظ قرار دهد و تباه نسازد بلا شک رستگار می شود.

این مبحث اینقدر مهم است که پیامبر ریشه دین را حب نسبت به اهل بیت میداند ،

این حدیث شریف که از پیغمبر اسلام نقل شده<sup>۲۹</sup> برآستی حجت را بر تمامی مسلمانان و خصوصا معاندان شیعه تمام میکند.

علاوه بر این ها یک مطلب که واجب است ذکر شود این است که حب و ارادت نسبت به کسی بوجود نمی آید مگر اینکه از ته قلب او را بشناسیم و درک کنیم و در یک کلام ایشان را قبول داشته باشیم.

که بازهم مراتبی بر این امر مترتب است.

اما آنچه یقینی ست این است که ما برای حب نسبت به اهل بیت باید تلاش کنیم تا این حضرات را تا حدی که میتوانیم بشناسیم ؛ هرچند که همانطور که عرض شد به هیچ عنوان نمی شود با این دید بسته دنیوی مقام اهل بیت را فهمید و به جرات میشود گفت مقام معصومین را فقط خدا میداند و محب واقعی و اصلی اهل بیت خود خداوند است.

چراکه او از اسرار کاملا آگاه است...

و نکته دیگر اینکه اگر هم کسی نسبت به حب اهل بیت سستی بورزد طبق احادیث صریح از پیامبر و خود معصومین دینش پایه ندارد و هرچیز بی پایه و اساس گویی که وجود ندارد.

پس اسلام بر یک اساسی برپاست که ان اساس

حــب نسبت به اهل بیت علیهم السلام

است.

## منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

کافی ج 2 ص 82 ج 5

شرح جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم ج 4 ص 635

امالی شیخ صدوق ص 2 . خصال ص 317 ح 100

نهج الفصاحه ح 1555

کافی (ط-الاسلامیه) ج 2 ص 236 و 237 ح 24

بحارالانوار ج 36 ص 296

منهاج البرائه فی شرح نهج البلاغه ج 7 ص 426

غرر الحکم باب حب ج 25

غرر الحکم باب حب حدیث 35

اصول کافی ج 2 ص 46

محاسن د ج 1 ص 445

الأمالی الصدوق ص 341 ح 406

المنجد

ینابیع الموده ص 126

جامع الاصول جلد 1 ص 110

الامام الصادق و المذهب الرابعه ج 1 ص 89

غایه المرام ص 296

غایه المرام ص 293

مکارم الاخلاق طبرسی

بحارالنوار ج 74

تفسیر نمونه، ج 20، ص 413

---